

در گفت‌وگوی قدس با عضو هیئت علمی دانشگاه علوم اسلامی رضوی تبیین شد

# «علوم و حیانی» پیشران تحقق صلح واقعی

۲

به میزبانی آستان قدس رضوی  
آغاز به کارکرد

## رویدادهم‌افزایی ۱۱۳ تشکل فرهنگی و اجتماعی

به همت مؤسسه جوانان آستان قدس رضوی، نمایشگاه بزرگ رویداد هم‌افزایی ۱۱۳ تشکل و فعال فرهنگی و اجتماعی خراسان رضوی افتتاح شد. به گزارش آستان‌نیوز، مراسم آغاز به کار رویداد هم‌افزا ویژه فعالان فرهنگی و اجتماعی، صبح ۱۸ آبان‌ماه با حضور دکتر مالک رحمتی؛ قائم مقام تولیت آستان قدس رضوی، سیداحمد

عبودیتیان؛ دستیار رئیس‌جمهور در امور مردمی‌سازی دولت و یعقوبعلی نظری؛ استاندار خراسان رضوی در محل ...



سیدمرتضی قاضیان - عکاس رضوی

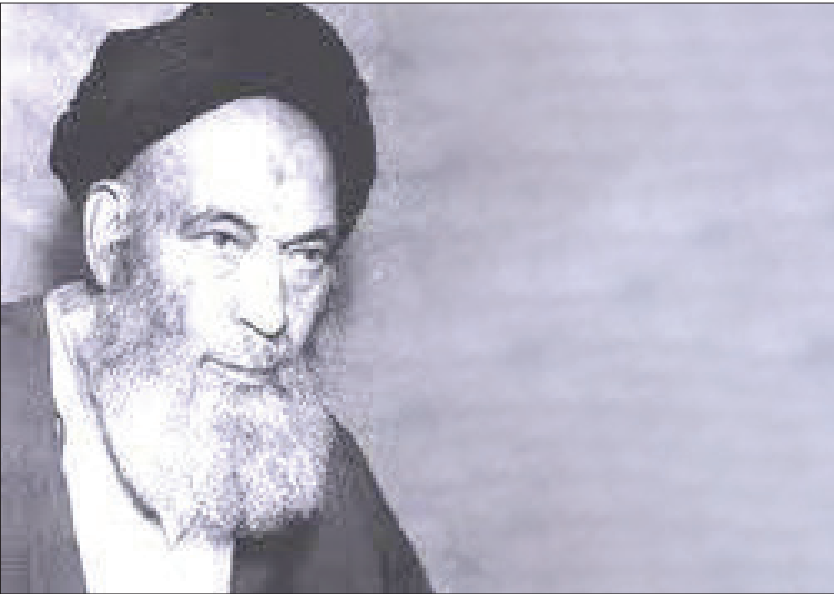
درباره زندگی و زمانه آیت‌الله میرزا احمد مدرس، عالم نامدار مدفون در حرم رضوی

## مشعل‌دار حوزه علمیه مشهد در عصر تاریک اختناق

دیکتاتوری رضاخان، به سبب زحماتی که طی ۶سال پیش از آن کشیده بود، از مدرسان برجسته حوزه علمیه مشهد محسوب می‌شد و به تعبیر یکی از شاگردانش، «رکن زکین تدریس سطح در حوزه علمیه مشهد» بود. بی‌تردید تلاش‌های گسترده مرحوم میرزا احمد مدرس یزدی در تجدید حیات حوزه علمیه مشهد، نقشی مؤثر و انکارناشدنی داشت.

آن مرحوم در دوران زندگی خود، هیچ گاه زندگی طلبگی را رها نکرد. اهل قناعت بود و تا پایان عمر از وجوهات شرعی استفاده نکرد و هزینه زندگی خود را از محل مزرعه‌ای که به همسرش تعلق

در بدترین شرایط آب و هوایی تعطیل نمی‌شد. شاگردانش به یاد می‌آوردند که میرزا احمد چگونه در زمستان‌های سخت و سرد آن سال‌های مشهد، زمانی که برف در کوچه‌ها تا بالای زانو می‌رسید، خود را به هر شکل ممکن به محل برگزاری جلسات درس که معمولاً در یکی از شبستان‌های مسجد گوهرشاد بود، می‌رساند و سر ساعت درس را آغاز می‌کرد. آن مرحوم حتی در زمان قوت فرزند سه‌ساله‌اش، درس و بحث را تعطیل نکرد و معتقد بود اتفاقات یا به قول او «سوانح ایام» نباید جریان تعلیم و تعلم را متوقف کند. جریان درس و بحث جلسات میرزا احمد معمولاً تا در خانه او ادامه پیدا می‌کرد



داشت، تأمین می‌کرد. تنها در ماه‌های پایانی عمر و از باب ضرورت، ناچار شد در حد رفع نیاز، از وجوهاتی که شرعاً در آن‌ها حقی داشت، استفاده کند. در جلسات درس او، صدها طلبه حضور داشتند و افزون بر این‌ها، به اقامه نماز جماعت در مسجد ملاهاشم نیز می‌پرداخت. این استاد برجسته حوزه علمیه مشهد، سرانجام در ۱۷ ربیع‌الاول سال ۱۳۹۱ / ۲۴ اردیبهشت ۱۳۵۰، در ۸۲سالگی دار فانی را وداع گفت. پیکرش را پس از تشییعی باشکوه، در رواق داراللسیاده حرم مطهر رضوی به خاک سپردند.

و شاید بیش از زمان درس در مسجد گوهرشاد در همان مسیر مسجد تا منزل، پاسخگوی پرسش‌های طلاب مشتاق بود؛ در کنار این تعهد به برگزاری منظم جلسات درس و آموزش‌های علمی به طلاب جوان و نیازهای آن‌ها توجهی تمام داشت و برای رفع مشکلات معیشتی آن‌ها تلاش فراوانی می‌کرد. وی همان‌طور که اشاره شد، پس از سرکوب قیام مسجد گوهرشاد، به تدریس مخفیانه در مدرسه ابدال‌خان روآورد و در زمان تدریس سطح حوزه مشهد، کتاب مشهور «شرح لمعه» را ۶۰ دوره تدریس کرد. میرزا احمد در سال ۱۳۲۰شمسی و پس از سقوط

قاطی قصه می‌کنی؟

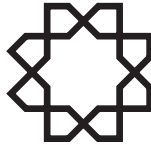
+ چون قاطی هستم. می‌شناسم پارسارو.
واسه من داره با زندگیش این طور می‌کنه. عذاب وجدان گرفته مادرمدره.
- مرحبا به تو. وسط اتوبوسم آبخوره بگیر.
زینت بلاکش هست جمع و جورت میکنه، هان! پاشو فعلاً بریم به این دردمون برسیم تا بعد.
مادرها که پیاده می‌شوند توی ایستگاه ششم، از پشت پنجره نگاهشان می‌کنم. چیز زیادی دستگیر نمی‌شود جز دو زن کمی خمیده که باد باله چادرهایشان را تکان می‌دهد و

**محمدحسین نیکبخت|**

سرکوب قیام مسجد گوهرشاد، مقدمه‌ای برای تبعید علمای بزرگ حوزه علمیه مشهد بود؛ حوزه‌ای که با مدیریت مرحوم آیت‌الله محمد آقازاده و حضور گرمابخش بزرگانی همچون آیات حاج آقا حسین قمی، میردامادی و... به دوران اوج فعالیت و ثمردهی خود رسیده بود، با هجوم گسترده عمّال رضاخان، دچار محدودیت‌های شدید شد و جمع زیادی از استادان برجسته این حوزه تبعید شدند. در آن زمان، این نگرانی وجود داشت که چراغ تعلیم و تربیت در این حوزه ریشه‌دار و باسابقه خاموش شود، اما با پایمردی و تلاش تعداد معدودی از علمایی که استادان سطح حوزه علمیه مشهد بودند، مشعل دانش در این مرکز علمی مهم جهان تشیع روشن ماند و طلاب با حمایت این افراد و با رعایت اصل پنهان‌کاری، به تکمیل دانش خود پرداختند. یکی از این علمای تأثیرگذار و مشعل‌دار، مرحوم آیت‌الله میرزا احمد مدرس یزدی بود. او پس از سرکوب قیام مسجد گوهرشاد، با وجود محدودیت‌های شدید و اختناق سنگین حاکم بر جامعه، طلاب را گرد خود جمع کرد و به تدریس علوم دینی در مدرسه «ابدال‌خان» پرداخت آن هم در زاویه‌ای مخفی که نظر دیگران را جلب نکند.

■ **نظم و ترتیب خیره‌کننده**

میرزا احمد مدرس یزدی در سال ۱۲۶۸شمسی در شهر یزد به دنیا آمد و در کودکی با پدرش به مشهد مهاجرت کرد و با تشویق وی، به تحصیل علوم دینی روآورد. او را باید از فقیهان برجسته‌ای بدانیم که دست‌پرورده حوزه علمیه مشهد و استادان نامداری همچون آیات سیدعباس شاهرودی، میرزامحمد آقازاده و حاج‌آقا حسین قمی بود. میرزا احمد پس از طی کردن مقدمات و ورود به سطوح عالی حوزه علمیه، به تدریس نیز مشغول شد. در آن دوران مطابق سنت حوزه علمیه، طلاب توانمندی که وارد سطوح عالی می‌شدند، کار تدریس را برای طلاب جوان‌تر آغاز می‌کردند. میرزا احمد جلسات درس بسیار منظمی داشت و روش تدریس او نیز تحت تأثیر نظم و همین‌طور بیان شیوای او از جذابیت خاصی برخوردار بود. آن مرحوم چنان به حفظ نظم و ترتیب اهمیت می‌داد که جلسات درسش حتی



تکته‌ها/ آیت‌الله حائری شیرازی

**تفکر در خلقت**

**راه رسیدن به توحید**



۲

**تشرف جمعی از مسئولان بلوچستان پاکستان به حرم مطهر رضوی**

۴

**حجت‌الاسلام والمسلمین سیدجعفر طباطبایی دارفانی را وداع گفت**

۲

**افتتاح بازارچه و نمایشگاه محصولات بانوان کارآفرین در باغ‌اردوگاه خاتون**

۴

**رونمایی**

**رونمایی از قدیمی‌ترین قبالة ازدواج با قدمتی ۲۵۰ ساله**



آستان قدس رضوی در یکصد و چهل و ششمین برنامه سه‌شنبه‌های علمی و فرهنگی خود، از قدیمی‌ترین قبالة ازدواج با قدمتی بیش از ۲۵۰ سال که ثبت ملی نیز شده رونمایی کرد. به گزارش آستان‌نیوز، در موزه کتابخانه وزیری یزد، قدیمی‌ترین قبالة ازدواج نگهداری می‌شود که متعلق به دوره زندیه است. این قبالة به عقد و ازدواج عبدالحی فرزند حاج‌موسی قزوینی با معصومه خانم فرزند حاج علی‌رضا اشاره دارد که تاریخ عقد در این سند سال ۱۱۹۳ هجری قمری ذکر شده، صداق ۴۰ تومان تبریزی رایج معاملات و موازی ۵۰ مثقال طلاآلات و یک کنیزک حبشیه که تقریباً ۱۰ تومان قیمت داشته و موازی یک اتاق فرش مشتمل بر قالی و توشک نمد و تمامی سه سهم مشاع از جمله ۲۴ سهم یک درب حمام واقع در محله داخل حصار دارالعباده یزد موسوم به حمام بکشاه به عنوان بخشی از مهریه عروس ذکر شده است. این قبالة به ۶ مهر و امضا در صدر و حاشیه سند مزین است و به تزیینات هنری از جمله یک سرلوح منقش به زمینه زربپوش با نقوش گل و برگ، یک کتیبه به زبان عربی، عناوین و اسامی به شنگرف، جدول‌بندی ساده و الواون با نقوش گل و برگ آراسته شده است. عقدنامه آقامیرزا محمدصراف و خانم خدیجه سلطان با صداق طلای ساخته شده در تاریخ ۱۲۴۸ هجری قمری دیگر قبالة قدیمی متعلق به دوره قاجار است که در این مراسم رونمایی شد.

**فیلمکث زندگي**

**پشت**

**درهای باز**

**رقیه توسلی |** - خانم مسن سمت چپی: خدائم شکر کن پیره‌زن. نه مثل من خویه. آخر عمری، یکه و مفلوک. هیچ معلوم نیست چهار تا طفلم کجای عالم غیب شدن. خوش به اقبال، «پارسا» دیروز زنگ زده میگه خاله‌جان مامان اکرم فردا نوبت داره. اگه مقدره براتون تنها نباشه. به به. ماشاءالله به این بچه.
+ خانم مسن سمت راستی: (سکوت)
- حالا چرا قنبرک زدی؟ باز کجا آوار شده؟
+ دیروز گوش «نگار» رو سوراخ کردن. میگم برگشتنی بریم بازار نرگسیه، یه تیکه طلا

**منبرمجازی**

**حواسمان به عیب‌هایمان باشد**



**حجت‌الاسلام نظامت|** یکی از موضوعاتی که در آداب معاشرت خیلی مهم است این است که وقتی دور هم جمع می‌شویم کاری به کار دیگران نداشته باشیم. دور هم جمع شوید، زیارت همدیگر بروید، سفره ببندازید... ولی این‌ها یک آقائی هم دارد. یکی از آفات هم این است که وقتی دور هم جمع می‌شویم اگر غیبت نکنیم حرف دیگری برای گفتن نداریم! مرحوم آیت‌الله گلپایگانی می‌فرمود وقتی در جلسه‌ای می‌نشینید نبض جلسه را خود به دست بگیرید. نه به این معنا که ما خود را تحمیل کنیم هر چه دل من می‌خواهد در آن جلسه مطرح شود، نه. اگر می‌بینید جلسه از مسیر خدایی دارد فاصله می‌گیرد و دنبال غیبت و بدگویی دیگران است شما جلو آن را بگیرید و درست آن را هدایت کنید... یک اخلاق بسیار زیبای پیامبر(ص) این بود وقتی در جلسه‌ای می‌نشستند، به میل مخاطبان جلسه گفت‌وگو را ادامه می‌دادند. در روایت هست. اگر این‌ها راجع به حرف‌های دنیایی شروع می‌کردند حالا نرخ‌ها چه قدر است، قیمت‌ها چه قدر است، همان را حضرت ادامه می‌دادند. اگر از آخرت می‌گفتند حضرت همان را ادامه می‌دادند. خود را تحمیل نمی‌کردند. بعضی‌ها حالتشان این جوری است فکر می‌کنند در مجلس فقط حرف ما و موضوعی که ما انتخاب می‌کنیم باید باشد. رسول خدا(ص) این چوری نبود... اصحاب امام صادق(ع) در میهمانی که می‌رفتند اگر اهل مجلس گرفتار غیبت می‌شدند بار اول تذکر، بار دوم جلسه را ترک می‌کردند، بلند می‌شدند و می‌رفتند. بنابراین یکی از آداب معاشرت امیرالمؤمنان(ع) این است، پایان خطبه ۱۷۶، **يَا أَيُّهَا النَّاسُ طُوبَى لِمَنْ شَغَلَ عَيْنُهُ عَن عُيُوبِ النَّاسِ**، خوشا به حال آن کسی که عیوب خود او، او را از پرداختن به عیوب مردم بازمی‌دارد. ما هر چه بر گناه‌های خود گریه کنیم باز هم کم است. کار به دیگران نداشته باشیم. بر خطاهای خود گریه کنیم. مشغول خودش باشیم. من سر و پا عیب هستم، حواس ما به عیوب خود ما باشد، چه کار به عیوب دیگران دارم. **و النَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ**، اگر انسان مشغول عیوب خود باشد آن وقت مردم دیگر از دست او راحت هستند... یک بار دیگر این فرار را بخوانم، **طُوبَى لِمَنْ لَزِمَ بَيْتَهُ**... یعنی خوشا به حال آن کسی که ملازم خانه خود است ...از غذای خود استفاده می‌کند... مشغول بندگی خداست و بر خطای خود گریه می‌کند... .